علم اصول الفقه

۱۸-۸-۱۴۰۵ القسم الثانی:الحجه علی النظام ۲۰

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادوي الطهراني

• مراحل کشف عناصر دینی

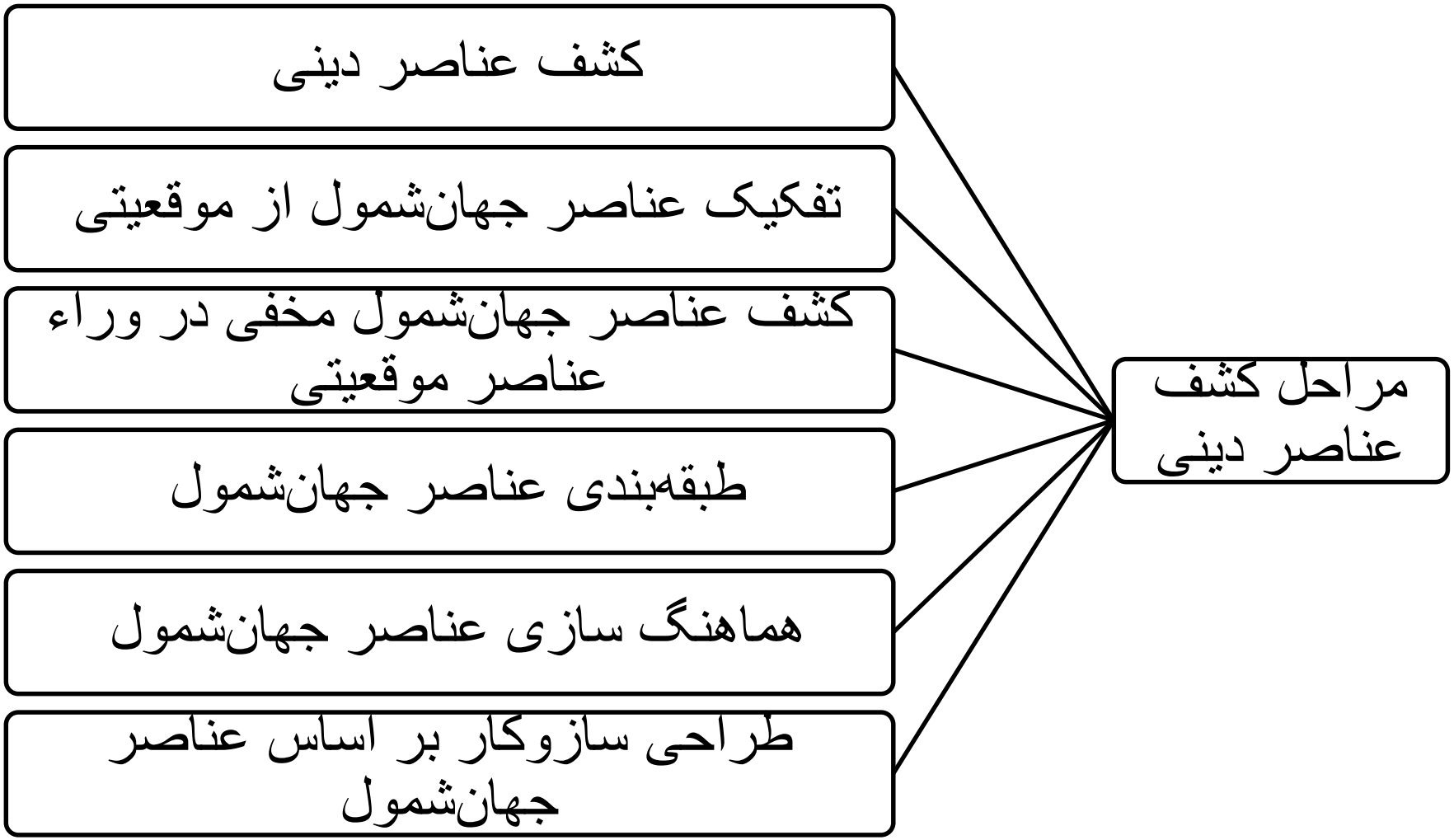

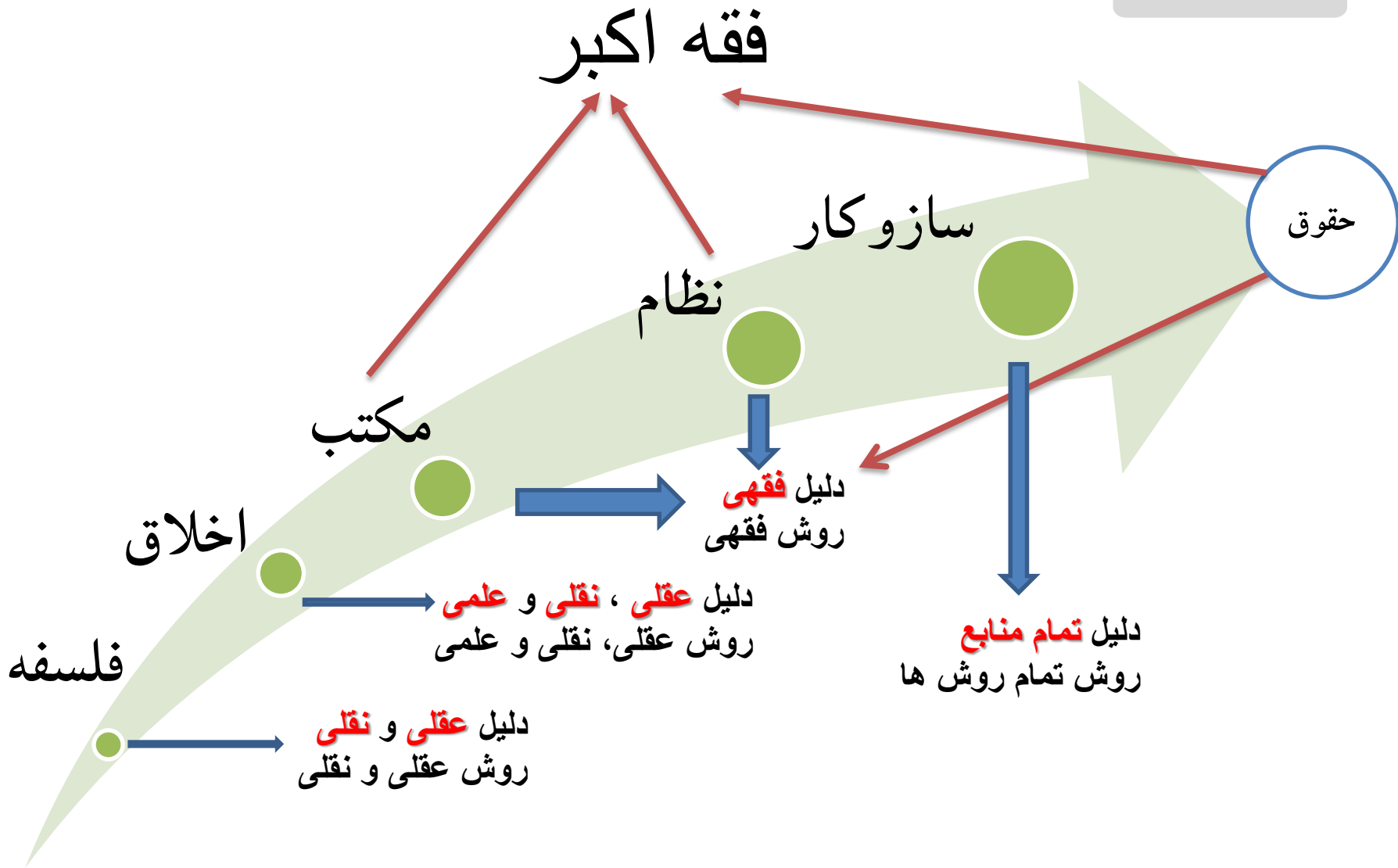

نظریه اندیشه مدون(سیستمی) در اسلام

نظریه اندیشه مدون در اسلام

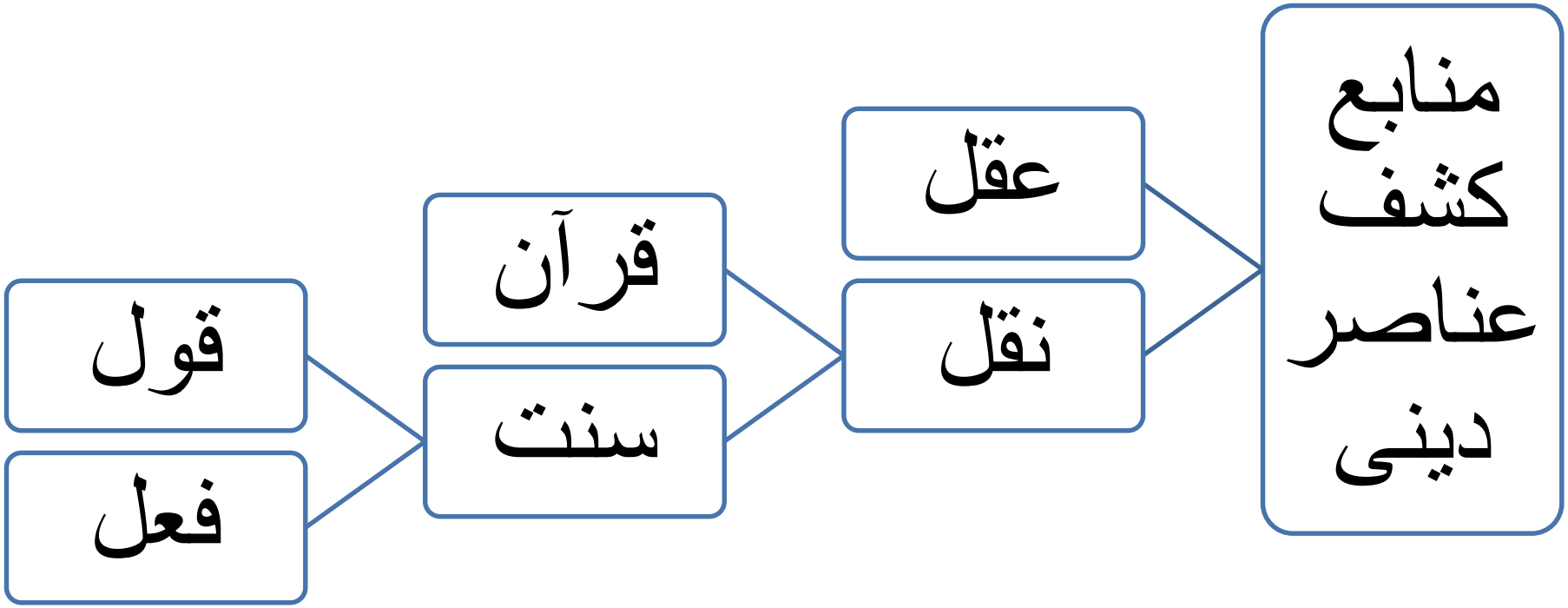

• روش کشف عناصر دینی

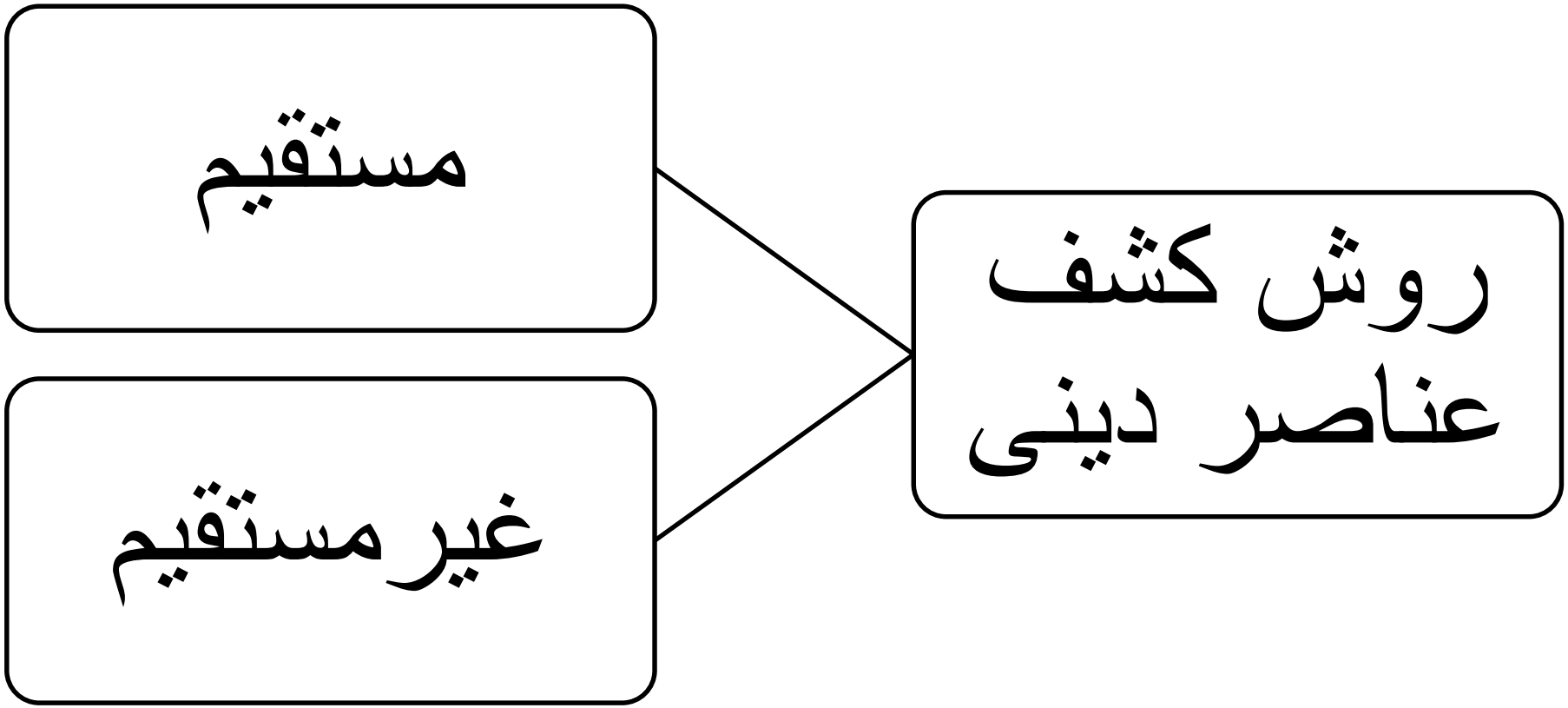

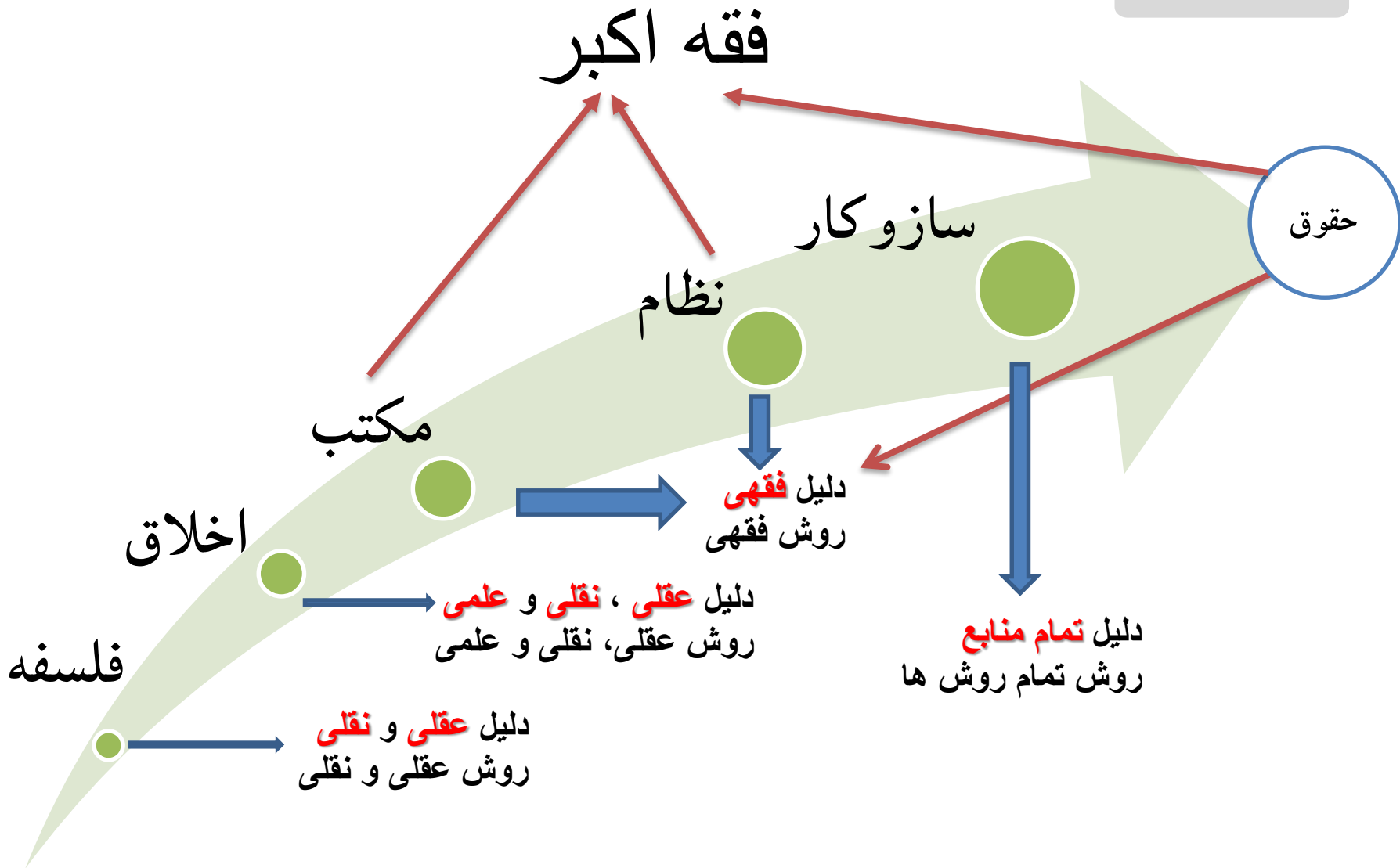

نظریه اندیشه مدون(سیستمی) در اسلام

• روش کشف عناصر دینی

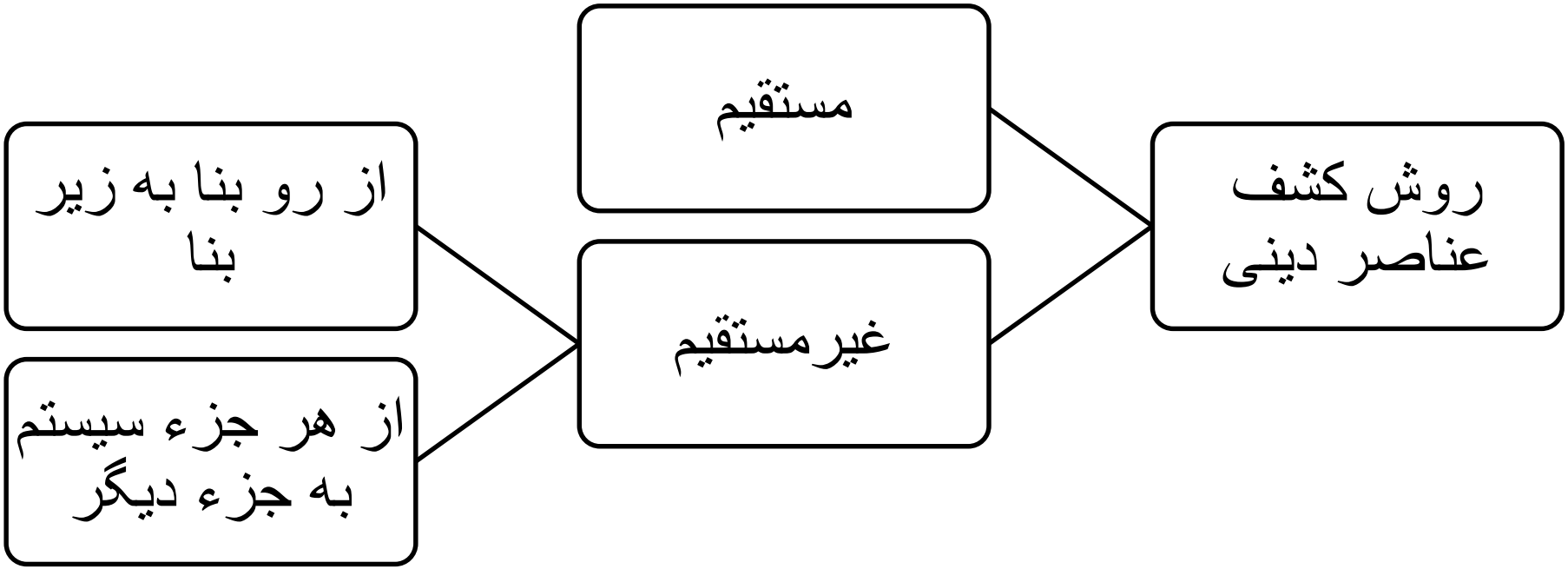

• روش کشف عناصر دینی

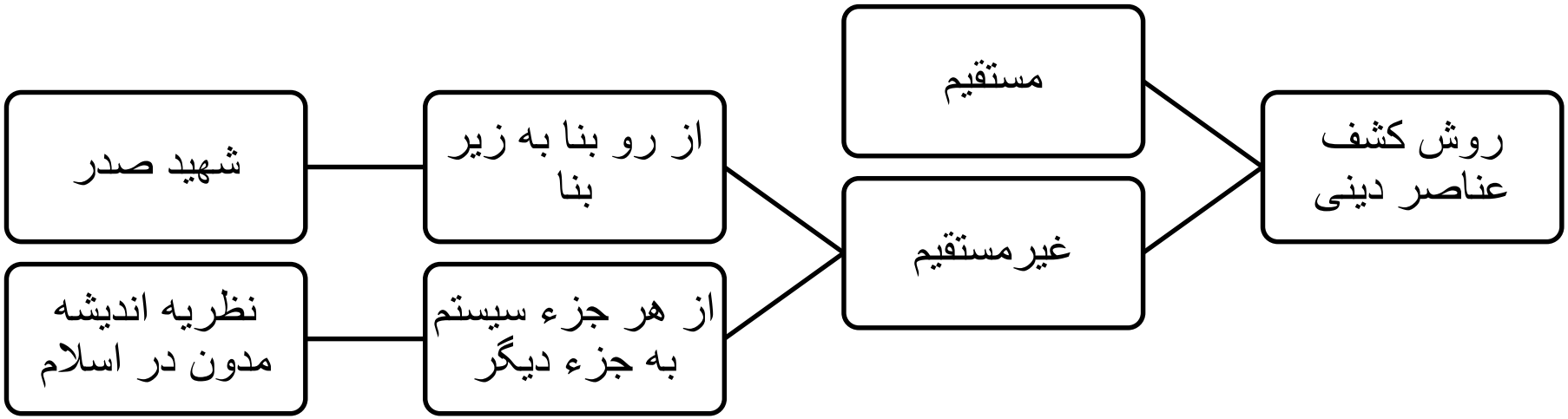

اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

آیا نسبت به عناصر دینی اصلی دال بر جهانشمولی یا موقعیتی بودن وجود دارد؟

اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

مرتکز در ذهن فقها

اصل در عناصر دینی جهان‌شمولی است.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

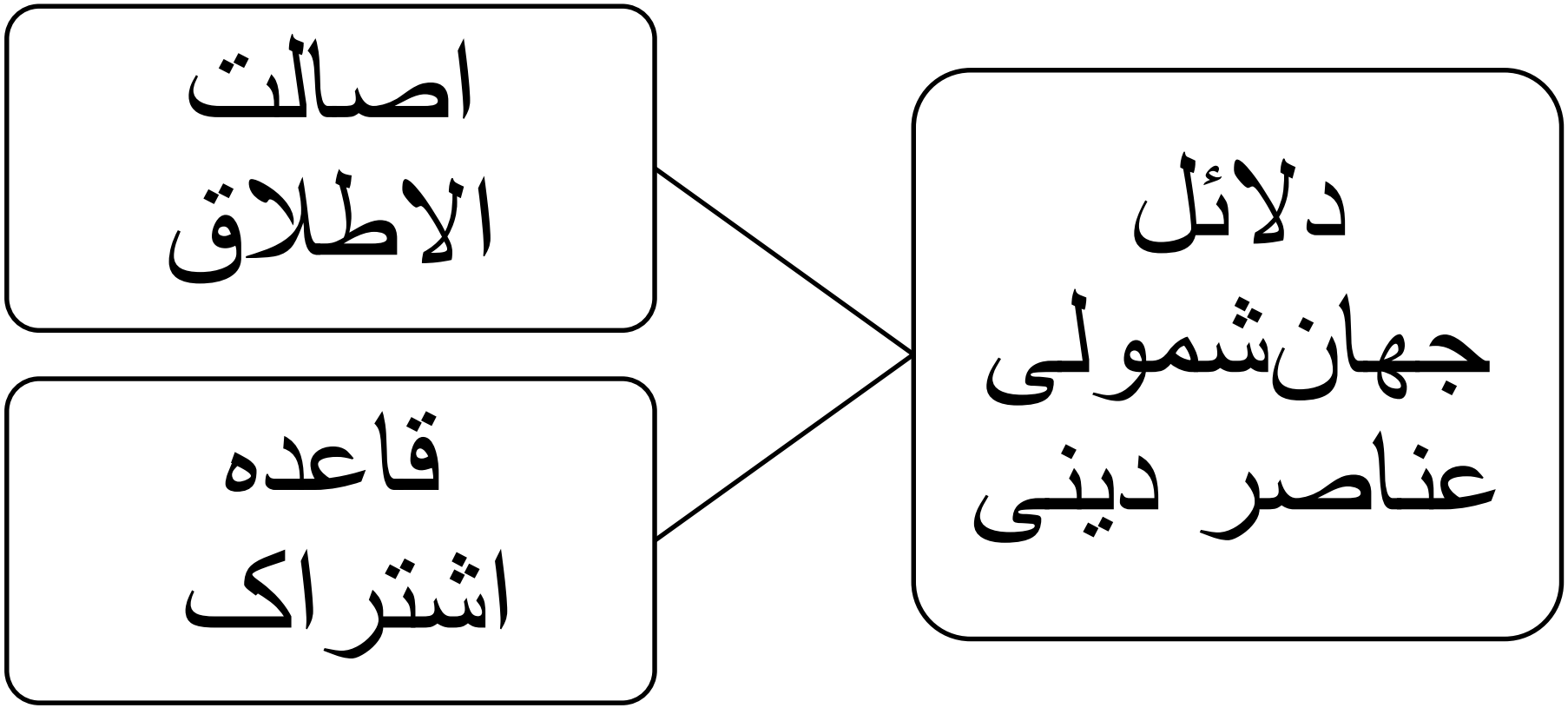

اطلاق چیست؟

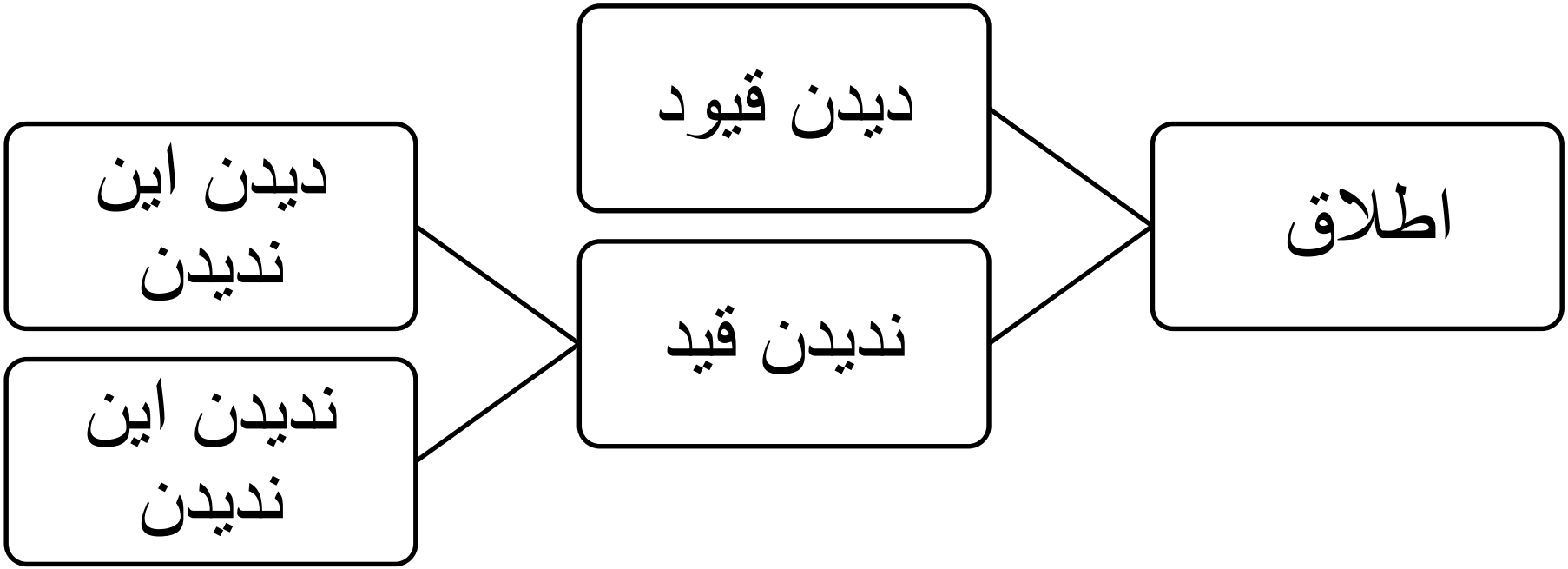

اطلاق چیست؟

اطلاق ندیدن قید و ندیدن این ندیدن است.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

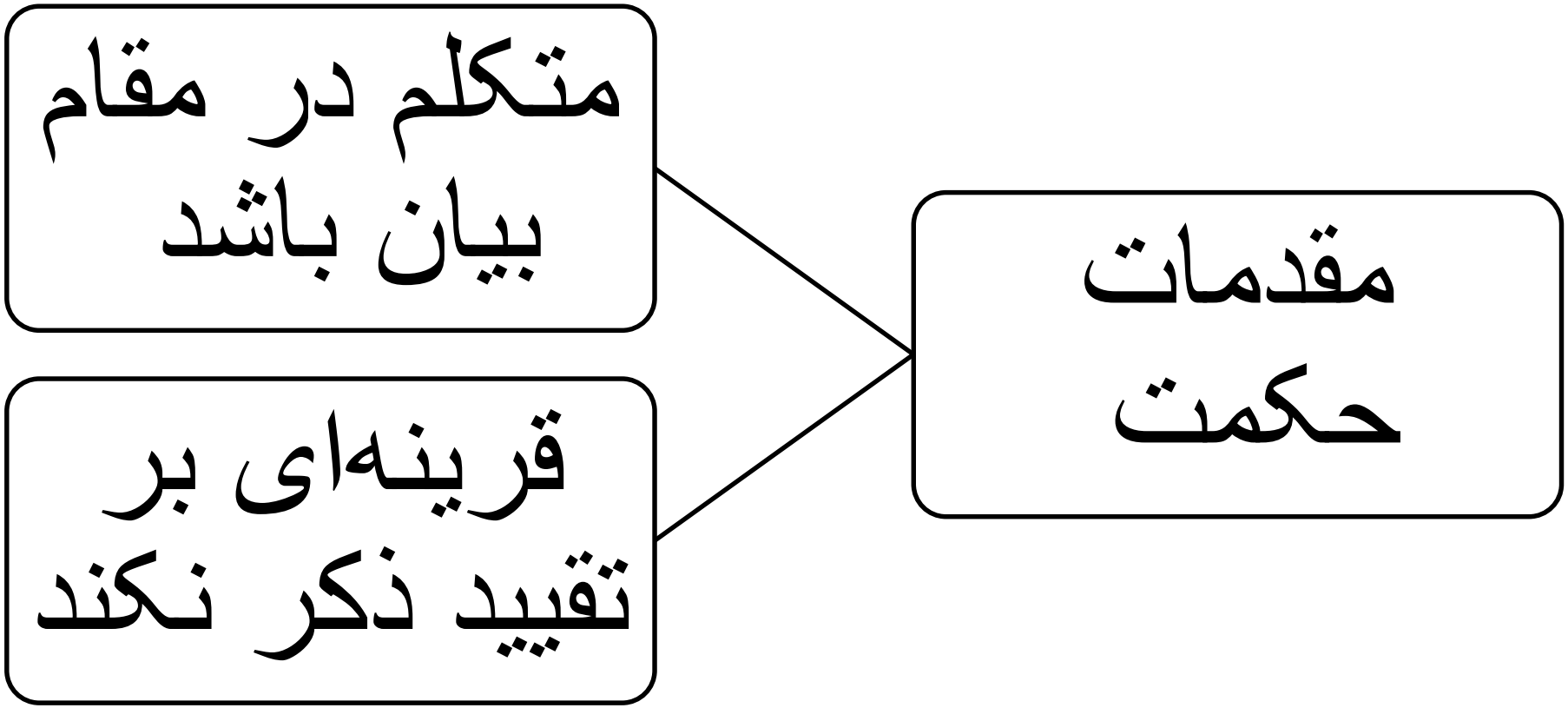

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- خب آن بخش دیگر را چگونه به دست می‌آورند؟ یعنی اینکه قرینه‌ای نیست بر تقیید این را چگونه به دست می‌آورند؟ اینجا باز یک اصلی همچنان که اشاره کردیم دارند اصولی‌های ما به نام اصالت عدم قرینه.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- می‌گویند **اگر ما شک کردیم قرینه‌ای وجود دارد یا نه اصل این است که قرینه نیست.**

- آقای صدر این بحث را باز می‌کند. می‌گوید اینکه اصل این است که قرینه نیست یعنی چه؟ این اصل از کجا پیدا شده؟ کی می‌گوید که قرینه نیست؟

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

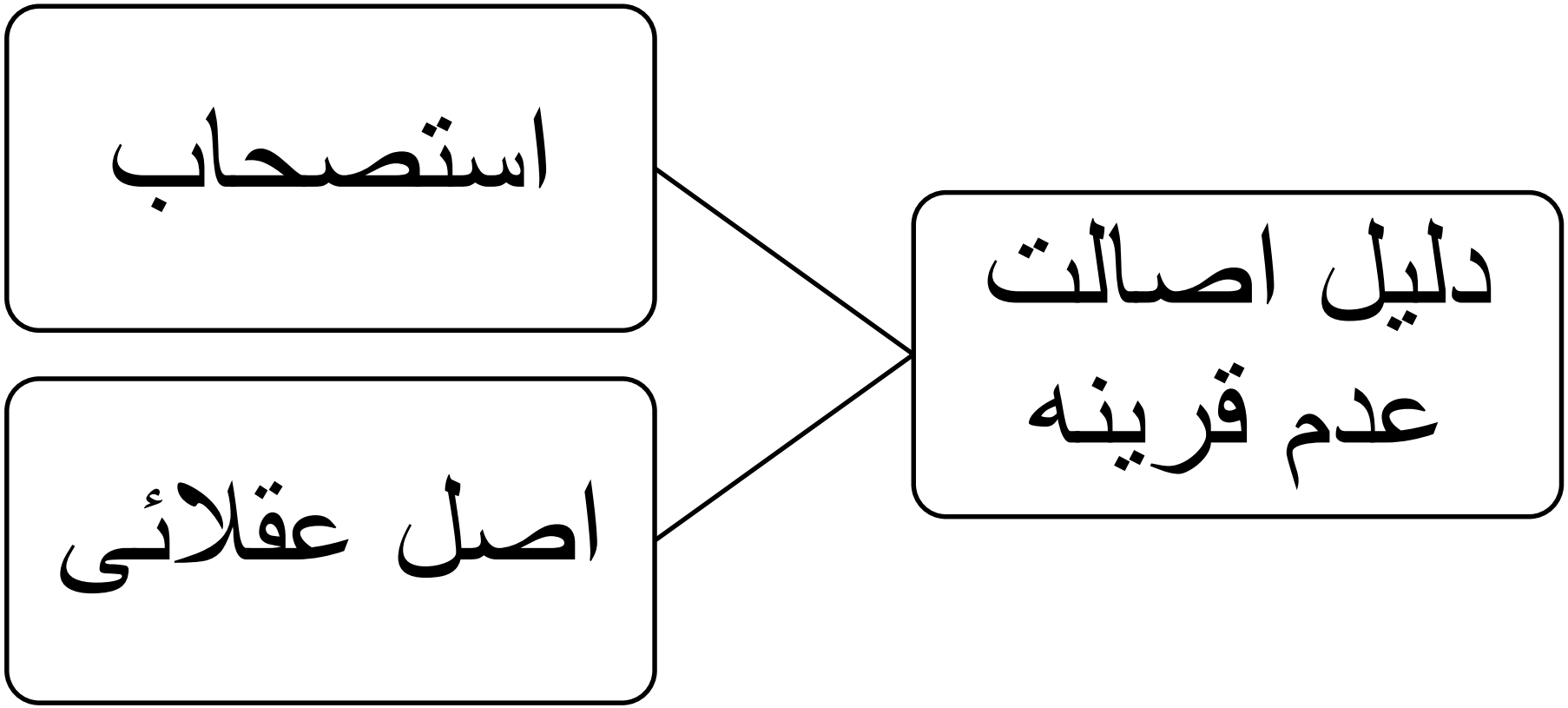

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

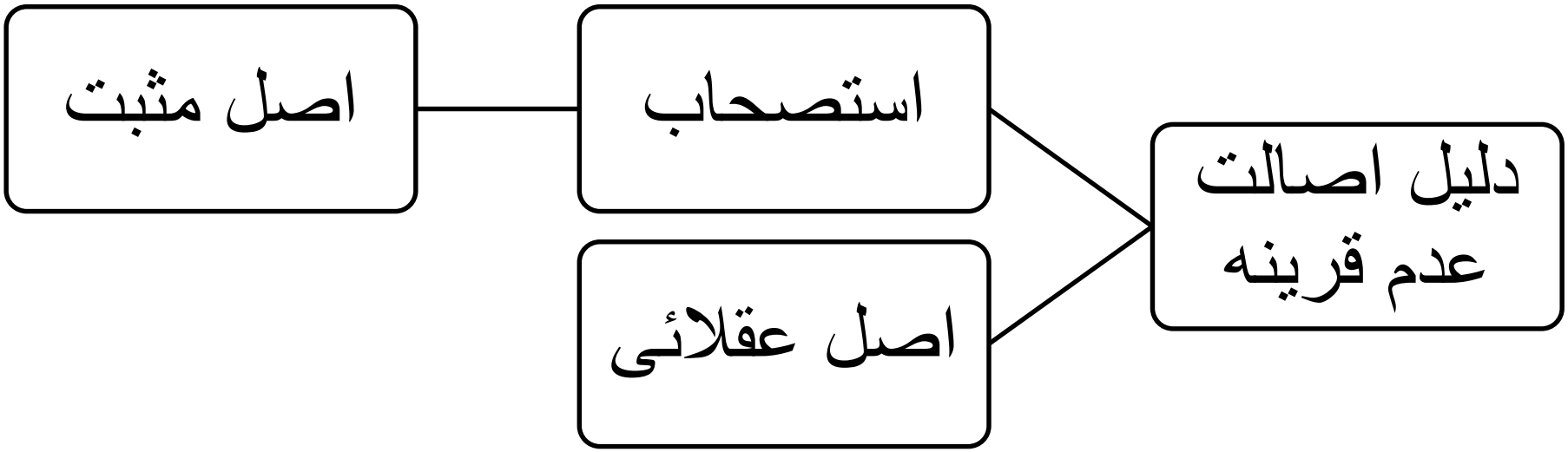

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

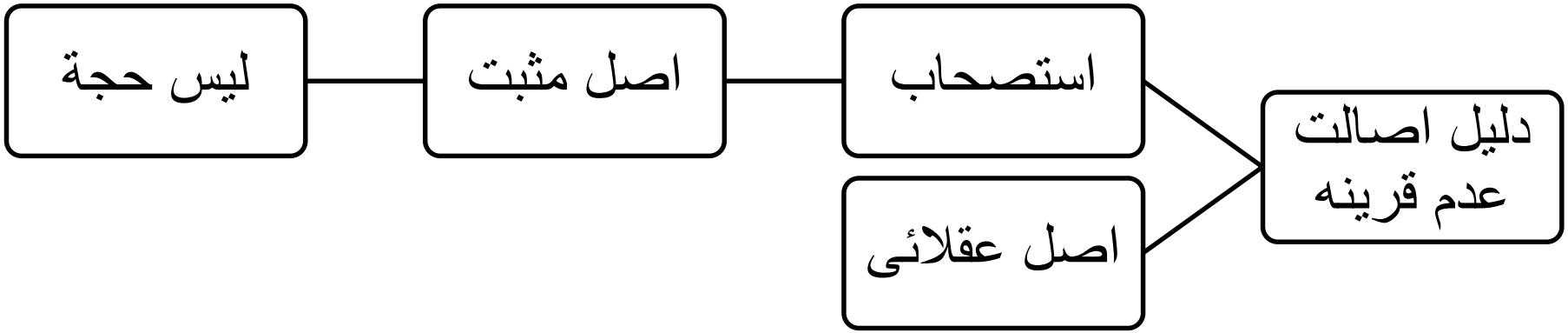

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

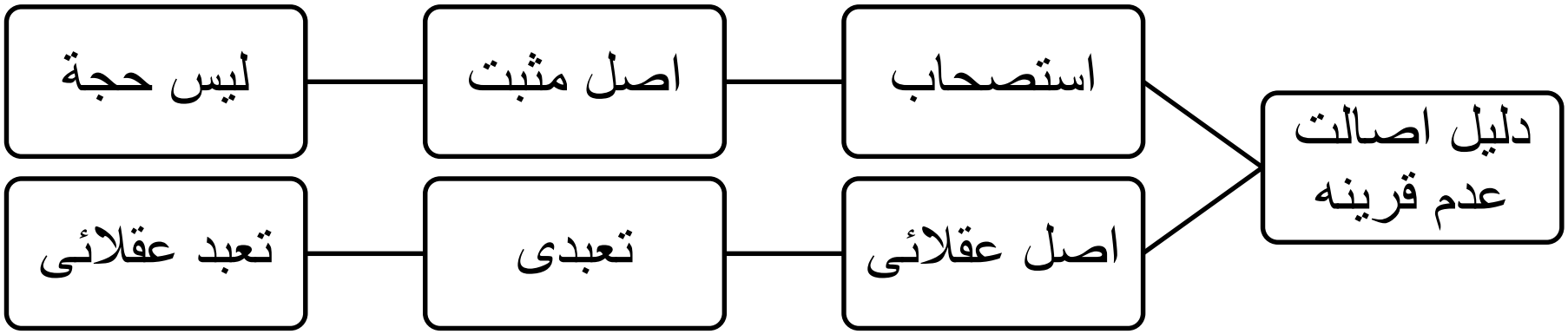

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

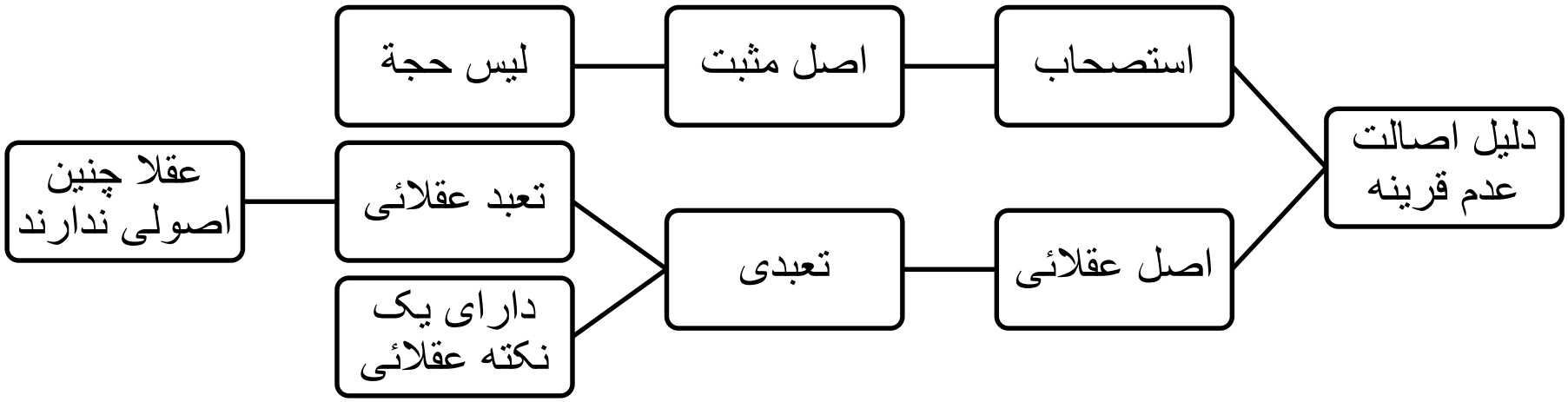

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

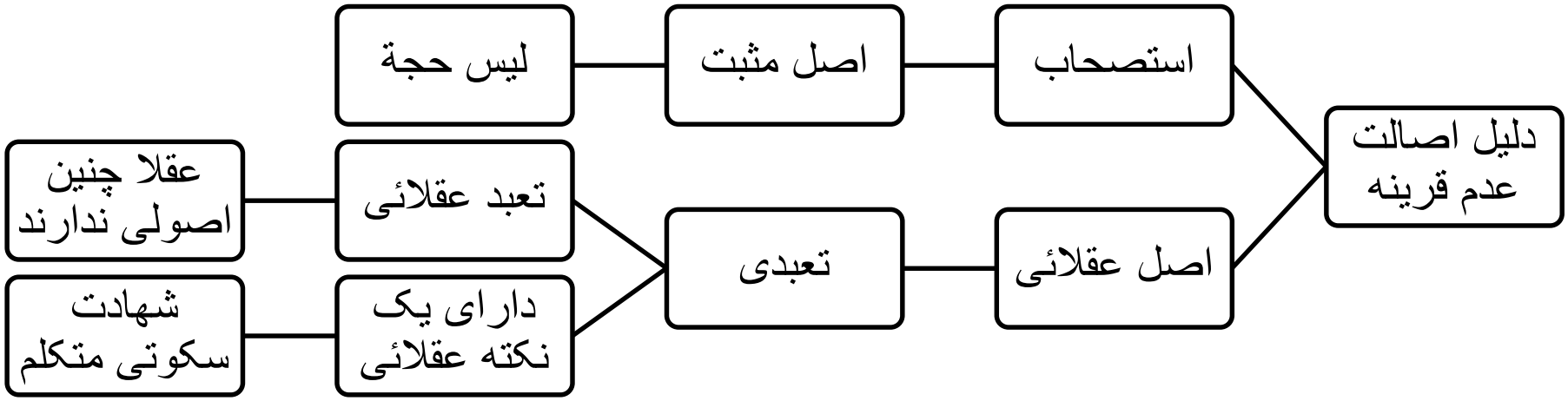

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- ایشان در تحلیل این مسئله می‌گوید دو تا احتمال دارد در این بحث. یعنی اصالت عدم قرینه. یک احتمال که شما می‌خواهید بگویید که **اصالت عدم قرینه یک اصل تعبدی است.** یعنی همین‌جوری عقلا تعبداً بدون هیچ نکته‌ای هر جا شک می‌کنند که قرینه هست یا نه می‌گویند قرینه نیست. بدون دلیل تعبداً.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- این تعبد که اینجا می‌گوییم نه به معنای تعبد دینی شرعی اسلام بلکه به معنای **تعبد عقلایی**. عقلا بدون دلیل همین‌جوری چشم‌بسته یک قاعده‌ای دارند. می‌گویند هر جا که ما شک کردیم قرینه هست یا نه قرینه نیست. یک قاعده این‌طوری درست کردند.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- آقای صدر می‌گوید اگر این مقصود شما این است، اصلاً عقلا چنین اصولی ندارند. اصلاً عقلا اصولی که تعبدی محض باشد و هیچ نکته‌ای نداشته باشد ندارند. عقلا هر کاری می‌کنند یک نکته عقلایی دارد. همین‌جوری چشم‌بسته بی‌خودی نمی‌گویند که قرینه نیست یا هست. چنین اصولی ندارند.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- پس می‌آید احتمال دوم که این یک اصل عقلایی است بر اساس یک نکته‌ای. همین‌جوری صرفاً یک اصل تعبدی به تعبیر آقای صدر نیست. آن نکته چیست؟

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- ایشان می‌گوید خب نکته‌ای که در حوزه مباحث الفاظ وجود دارد یا به تعبیر دیگر در حوزه ظهورات وجود دارد؛ نکته کاشفیت و طریقیت. نکته اصلی برای عقلا این است.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- خب اگر نکته، نکته کاشفیت است، وقتی یک متکلمی دارد صحبت می‌کند اول که متکلم قیدی را بیان نمی‌کند عقلا می‌گویند خب او در مقام بیان است از همه جهت. اگر مقصود او مقید بود حتماً بیان می‌کرد. پس اینکه می‌گویند اصل این است که قرینه نیست از این باب که در واقع سکوت این متکلم برای عقلا به منزله یک نوع سخن است. به تعبیر آقای صدر یک نوع شهادت است.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- یعنی او که این عبارت را می‌گوید و قرینه‌ای ذکر نمی‌کند گویا همین که ذکر نمی‌کند دارد یک چیزی می‌گوید و آن این است که می‌گوید من قیدی برای این سخنم ندارم. این **شهادت سکوتی متکلم** مستند نفی قرینه است که پس اینجا قرینه‌ای نیست.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- نوبت می‌رسد به روایات که سخن مستقیم متکلم نیست بلکه سخنی است که برای ما نقل می‌شود. از امام صادق نقل می‌کنند برای ما. خب اینجا ما اگر شک می‌کنیم آیا در سخن امام صادق علیه‌السلام قیدی هست یا نه، ما که آنجا نبودیم ببینیم امام صادق قیدی ذکر کرده یا نکرده. شاید امام صادق قیدی ذکر کرده و آن قید را راوی برای ما نقل نکرده. ما اینجا به چه استناد می‌کنیم که قید نیست؟

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- به شهادت سکوتی راوی. نه به شهادت سکوتی مروی‌عنه. می‌گوییم اینکه راوی مثلاً برای ما نقل می‌کند. حالا راوی برای بعدی. بعدی برای بعدی تا به ما می‌رسد. این عبارت از آنجا شروع می‌شود.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- اینی که دارد برای ما نقل می‌کند می‌گوییم اگر قرینه‌ای بود بیان می‌کرد. چون مقتضای وثاقت او این است که آنچه را که در تشخیص مراد متکلم نقش دارد برای ما بیان کند.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- پس وقتی که او یک عبارت را بیان می‌کند و قیدی بیان نمی‌کند معنایش این است که این عبارت قیدی نداشته. اینکه قیدی نداشته یعنی این راوی که از قبلی گرفته او قیدی ذکر نکرده. عین این استدلال را نسبت به او می‌گوییم آن یکی ذکر نکرده. همین‌طور تا می‌رسیم به خود معصوم علیه‌السلام.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- همان مثال شاه‌عباسی بحث اطلاق و تقیید. «أعتق رقبة». اگر این جمله آمد ما شک کردیم که رقبه قیدی دارد. رقبه مؤمنه باید باشد یا نه. مثلاً غیرمؤمنه را هم شاملِ می‌شود. می‌گوییم اگر شارع فرموده بود مؤمنه حتماً راوی برای ما ذکر می‌کرد. اینکه راوی ذکر نکرده معلوم می‌شود که قیدی نبوده. به این می‌گوییم شهادت سکوتی راوی.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- بنابراین ما از طریق شهادت سکوتی راوی پی می‌بریم به اینکه قرینه نیست. این بحثی است که آقای صدر می‌کند. خب تا اینجا هیچ. به نظر می‌رسد که اتفاق مهمی نیفتاده. خب همان حرف‌هایی که دیگران زدند را هم آقای صدر هم زد. آنها می‌گویند اصل این است که متکلم در مقام بیان است. اصل این است که قرینه‌ای نیست. همان‌ها را گفتیم.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- ولی وقتی تحلیل را این‌طوری گفتیم و به شهادت سکوتی راوی استناد کردیم یا در جایی که متکلم مستقیم برای ما سخن می‌گوید به شهادت سکوتی متکلم رسیدیم، اینجاست که بحث دیگری مطرح می‌شود و آن این است که قرائن دو دسته‌اند:

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

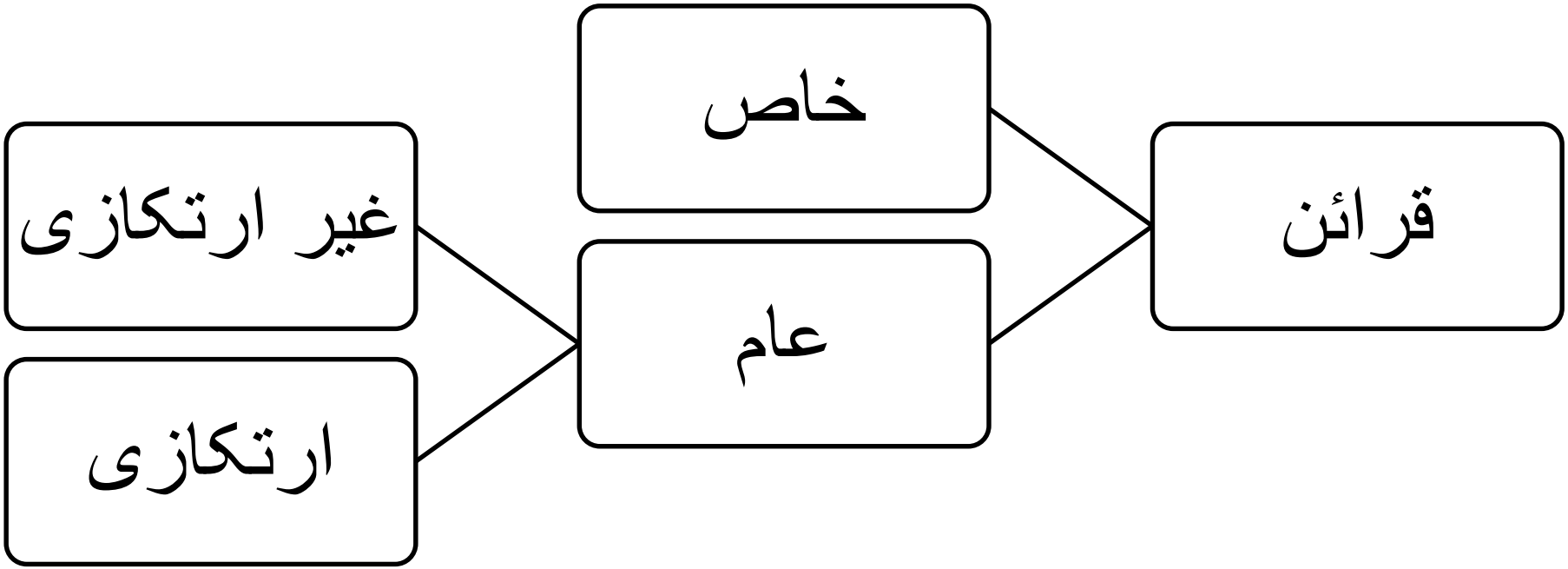

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

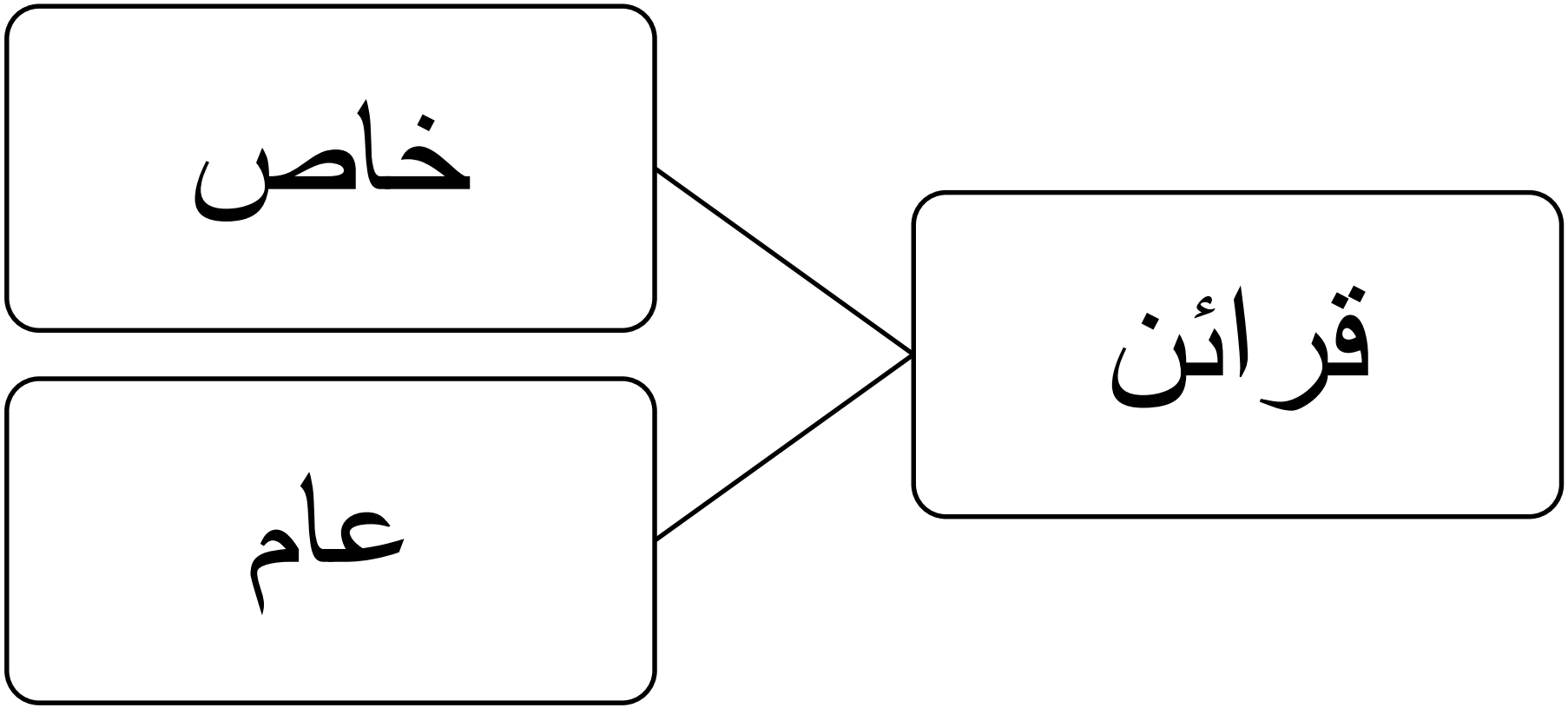

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- قرائن تقیید یک دسته قرائن خاص هستند که متکلم به صورت خاص اراده می‌کند، ذکرشان می‌کند.
- یک دسته قرائن عام‌اند که این دسته دوم عمده‌اش قرائن ارتکازی‌اند. یعنی قرائنی هستند که در آن فضایی که متکلم دارد صحبت می‌کند، گوینده و مخاطب این قرینه در ذهنشان هست بدون اینکه خودشان توجه داشته باشند به اینکه این قرینه هست.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- خب این نوع قرائن را چگونه می‌شود نفی کرد؟ آقای صدر می‌گوید این نوع قرائن را نمی‌شود با این بیان نفی کرد.

دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- چرا؟ می‌گوید چون راوی التزامی ندارد به اینکه قرائن ارتکازی را هم بیان می‌کند چون اصلاً خود راوی توجهی ندارد که این قرینه وجود دارد چون او در همان فضا این را می‌فهمد.

اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- بعد آقای صدر با استفاده از این نکته بابی را در فقه باز کرده که به پرسش‌های زیادی جواب داده. آقای صدر می‌گوید اینکه ما می‌بینیم بعضی جاها فقهای ما برخلاف ظواهر ادله فتوا می‌دهند نکته‌اش این است.